

تحولات دنیای عرب و ثبات سیاسی در امارات متحده عربی

خلیل الله سردارنیا*
زهرا عزیزی**



kh_sardarnia@yahoo.com

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شیراز

** دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای از دانشگاه شیراز

تاریخ تصویب: ۹۴/۱۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۶

فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۴، صص ۲۱۶-۱۸۹.

ثبات سیاسی و امنیت به مثابه مهمترین دلمشغولی حکومت‌ها بوده است و به معنی نبود تهدیدات و چالش‌های جدی و بی‌نظم کننده است، نه تغییرات کوچک و جزئی که لازمه پویایی و استمرار نظام سیاسی و اجتماعی هستند. از ربع واپسین سده ۲۰ به این سو، حکومت‌ها به ویژه حکومت‌های اقتدارگرا به دلایلی همچون اثرات سرایتی ناشی از گسترش جنبش‌های دموکراتیک، انقلاب ارتباطات، جهانی شدن، تحول نسلی و نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی فزاینده با چالش‌ها و تهدیدهای امنیتی مواجه بوده‌اند. در این نوشتار، نگارندگان با استفاده از روش تحقیق تبیینی _ علی درصدد ارائه پاسخ تحلیلی به این پرسش هستند که چرا جنبش‌های اجتماعی اخیر در منطقه یا بهار عربی به امارات متحده عربی سرایت نکرد و این کشور همچنان از ثبات سیاسی برخوردار است؟ چرا با وجود این که این کشور در منطقه از بالاترین میزان کاربری اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی برخوردار است اما برخلاف برخی کشورهای دیگر، با جنبش اجتماعی مواجه نشد؟. مهمترین دلایل موثر در این ارتباط (فرضیه تحقیق) عبارتند از: ساختار جمعیتی غیربومی در اکثریت (۸۵ درصد) و محافظه‌کاری آنان به دلایل سیاسی - اقتصادی و عدم برخورداری از حقوق شهروندی، مشروعیت عملکردی - کارکردی حکومت در حوزه اقتصادی و رفاهی، مشروعیت سنتی و مذهبی حکومت، گرایش فزاینده کاربران به استفاده از قابلیت‌های سرگرمی، تجاری، ارتباط‌گیری و غیرسیاسی اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و محدودیت‌ها و کنترل‌های شدید حکومت بر قابلیت‌ها و لینک‌های سیاسی آن. یافته‌های تحقیق تایید کننده تاثیر همه دلایل یادشده بر ثبات سیاسی و عدم وقوع جنبش انقلابی در این کشور پس از وقوع بهار عربی هستند.

واژه‌های کلیدی: بهار عربی، ثبات سیاسی، مشروعیت سیاسی، جنبش‌های اجتماعی، امارات متحده عربی

مقدمه

از ربع واپسین سده ۲۰ به این سو، به تاثیر از عواملی همچون سیاسی شدن هویت‌ها، گسترش تروریسم، بنیادگرایی دینی، افزایش آگاهی‌های سیاسی و بین‌المللی و پدیده جهانی شدن، حکومت‌ها و جوامع به مراتب بیشتر از گذشته نسبت به امنیت و ثبات سیاسی خود، آسیب‌پذیر شده‌اند. در این بین، منطقه خاورمیانه و شمال افریقا، بیشتر از مناطق دیگر جهان با بی‌ثباتی و خشونت مواجه بوده است. در این منطقه آمیزه‌ای از عوامل مانند دخالت قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای، بحران هویت، اختلافات ارضی، بنیادگرایی دینی، تعارضات ایدئولوژیک و تحول فکری و نسلی منجر به بی‌ثباتی و جنگ داخلی در تعدادی از کشورهای منطقه شده است.

در بین کشورهای خاورمیانه، شیخ‌نشین‌های خلیج فارس در چند دهه اخیر از ثبات سیاسی نسبتاً مستمری برخوردار بوده‌اند. ثبات سیاسی در این منطقه، ریشه در تعدادی از شالوده‌های اساسی داشته است که مهمترین آنها عبارتند از: ساخت اقتصاد رانتی و استقلال و قدرتمند شدن حکومت و مشروعیت عملکردی-رفاهی آنها به تاثیر از این ساخت اقتصادی، ارتباط و رابطه بازتولیدی بین حکومت پاتریمونیال و ساختار اجتماعی و فرهنگی قبیله‌گرا و تابعیتی، نظام فاسد حامی پروری و پیروگرایی و وابستگی این حکومت‌ها به قدرت‌های خارجی.

وقوع بهار عربی در سال ۲۰۱۱، در آغاز در تعدادی از کشورهای منطقه به یک سری حرکت‌های اعتراضی انجامید، اما به استثنای بحرین -که هنوز قیام و جنبش انقلابی مردم استمرار دارد- در این کشورها، در بستر شالوده‌های ثبات‌بخش فوق، تا حد قابل توجهی ثبات سیاسی استمرار یافته است؛ اما استمرار این ثبات در آینده

نه چندان دور با شرایط موجود، دشوار و بعید خواهد بود. در این بین، امارات متحده عربی، به جز دو حرکت اعتراضی بسیار محدود، تا به امروز از ثبات برخوردار بوده و بهار عربی در آن چندان تاثیرگذار نبوده است. البته حکومت امارات پس از وقوع این رویداد، اقدام به پاره‌ای اصلاحات در عرصه سیاسی و اقتصادی و نیز امنیتی کرد تا ثبات همچنان حفظ شود.

در این تحقیق، با اتخاذ رویکرد جامعه‌شناختی تاریخی و سیاسی، مسئله مهم تحقیق، تبیین شالوده‌های ثبات‌بخش در امارات متحده عربی در چنددهه اخیر به ویژه پس از وقوع بهار عربی است. پرسش اساسی تحقیق آن است که مهمترین شالوده‌های ثبات‌بخش سیاسی - اجتماعی در امارات متحده عربی در چنددهه اخیر چه بوده‌اند و چرا پس از وقوع بهار عربی، این کشور شاهد بی‌ثباتی و جنیش اجتماعی از نوع انقلابی نشد؟ مهمترین دلایل موثر در این ارتباط (فرضیه تحقیق) عبارتند از: ساختار جمعیتی غیربومی در اکثریت (۸۵ درصد) و محافظه‌کاری آنان به دلایل سیاسی و اقتصادی و عدم برخورداری از حقوق شهروندی، مشروعیت عملکردی-کارکردی حکومت در حوزه اقتصادی و رفاهی و استمرار مشروعیت سنتی و مذهبی حکومت.

در این نوشتار، روش پژوهش از نوع تبیینی - علی با رویکرد نظری جامعه‌شناختی تاریخی و سیاسی است؛ روش تبیینی، روش تحلیلی و معطوف به علت‌کاوی و در پاسخ به چرایی وقوع یا استمرار یک مسئله است که در این تحقیق، همان استمرار ثبات سیاسی و تبیین شالوده‌های موثر بر آن است. اما این تبیین با رویکرد جامعه‌شناختی سیاسی و تاریخی در بستر نظریه‌های مرتبط با تحلیل شالوده‌های ثبات سیاسی مانند نظریه‌های مشروعیت سیاسی سنتی، مشروعیت عملکردی و رفاهی و نظریه دولت مقتدر و کارآمد با تمرکز بر امارات متحده عربی انجام شده است. منظور از جنبه تاریخی در این رویکرد، آن است که موضوع ثبات سیاسی در امارات متحده عربی به ویژه پس از بهار عربی را نمی‌توان به شالوده‌های ثبات‌بخش در ظرف زمانی کوتاه و میان مدت محدود کرد، لذا بایستی به عقبه یا ریشه‌های درازمدت تاریخی در چندین دهه اخیر پرداخت. روش جمع‌آوری اطلاعات نیز از نوع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

از حیث پیشینه تحقیق، بایستی گفت که در ارتباط با موضوع تحقیق، تقریباً اثر مستقیمی دیده نشده است، اما تعدادی از مقالات آن هم با جنبه کمتر تحلیلی، در مورد تأثیرات بهار عربی بر منطقه و نه در ارتباط با امارات نوشته شده‌اند که به اجمال فهرست می‌شوند: ۱. الجنبی در مقاله انگلیسی با عنوان «استفاده از شبکه‌های اجتماعی در امارات متحده عربی»، با روش پیمایشی و مصاحبه با ۵۵۶ نفر از اقشار گوناگون جامعه به بررسی نوع علاقه‌مندی و محتوای اینترنتی مورد استفاده کاربران در امارات پرداخته است که از یافته‌های کمی این مطالعه در این مقاله استفاده شد (Al-Jeneibi, 2013). ۲. اولریگ فریتگ در مقاله انگلیسی با عنوان «عربستان سعودی، خریدن ثبات»، به اقدامات رفاهی و سرکوبگرانه این کشور برای مهار حرکت‌های اعتراضی پرداخته است (Freitag, 2012). ۳. لوینز در مقاله انگلیسی با عنوان «دولت رانتیر و بقای نظام‌های سلطنتی مطلقه» به بررسی ماندگاری تعدادی از رژیم‌های منطقه به خاطر درآمدهای نفتی و سیاست‌های رفاهی و پیشگیرانه در چهارچوب نظریه دولت رانتیر پرداخته است (Levins, 2013) و تعدادی مقالات از این دست که به صورت غیرمستقیم به موضوع ثبات سیاسی در منطقه پرداخته‌اند.

با بررسی منابع یاد شده و نبود موضوع مستقیم تحقیق در قالب مقاله یا پایان‌نامه در این خصوص، متوجه می‌شویم که این پژوهش با این عنوان و محتوا از نوآوری و ضرورت بالایی برخوردار بود. گرچه تعدادی منابع محدود انگلیسی در ارتباط با استمرار ثبات در شیخ‌نشین‌های خلیج فارس نوشته شده‌اند، اما اولاً تمرکز بر کشور امارات متحده عربی نداشته‌اند، ثانیاً جنبه تحلیلی آن‌ها کمتر بوده است و همچنین به خاطر طرح موضوع در قالب کلیت کشورهای منطقه، در حد بیان کلیات بسنده شده است. بنابراین، این تحقیق به دلایلی همچون اتخاذ رویکرد جامعه‌شناختی تاریخی و سیاسی، تمرکز بر کشور امارات، استفاده از داده‌های آماری جمعیتی، اقتصادی و اینترنتی، توجه همزمان به شالوده‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ثبات سیاسی در گستره تاریخی این کشور و پیوند آن شالوده‌ها با زمان کنونی پس از وقع بهار عربی، از نوآوری و ضرورت بالایی برای انجام و تحقیق برخوردار بود.

۱. چهارچوب مفهومی

«ثبات سیاسی» به معنی نبود تغییرات تدریجی نیست؛ زیرا که هیچ حکومتی نمی‌تواند مصون از تغییرات تدریجی و اصلاحات باشد زیرا که این نوع تغییرات، لازمه پویایی و ماندگاری نظام سیاسی و اجتماعی هستند. لذا ثبات سیاسی به معنی عدم وقوع تغییرات و چالش‌های تند و برهم زنده نظم و سامان سیاسی در سطح حکومت و جامعه و روابط آن دو است. دیوید ساندرز، ثبات سیاسی را به معنی نبود چالش‌ها و تغییرات برهم زنده رویه‌ها و تعاملات سیاسی - اجتماعی معمول در حکومت و جامعه می‌داند (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۳۴). کلاود آکه، ثبات سیاسی را به معنای منظم بودن جریان تعاملات سیاسی تعریف می‌کند، هر جا که تعاملات سیاسی نامنظم باشند نظام سیاسی بی‌ثبات و هر جا که منظم باشند، نظام سیاسی باثبات خواهد بود (موثقی و کرمزاده، ۱۳۹۰: ۳۲). از دیدگاه دیوید ایستون بی‌ثباتی سیاسی هنگامی رخ می‌دهد که قواعد و نوع پویش‌های سیاسی رایج، دچار تشتت شوند و گروه بندی‌های سیاسی به سمت عبور از تقسیم کار سیاسی موجود یا پویش‌ها و الگوهای سیاسی موجود سوق یابند (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۲۲).

در عصر پساجنگ سرد یعنی از دهه ۱۹۹۰ به این سو، جامعه جهانی با چالش‌های امنیتی و بی‌ثباتی‌های جدیدی مواجه شده که به لحاظ شکلی و ماهیتی، متفاوت از تهدیدهای دوران جنگ سرد هستند؛ لذا تعریف‌های کلاسیک و محدود از این مفهوم در عصر پساجنگ سرد، دیگر کفایت نمی‌کند. در این میان، مکتب کپنهاگ^۱ توانست جامع‌ترین نظریه تحلیل امنیت و ثبات را ارائه دهد. مکتب کپنهاگ، تلقی همه جانبه از امنیت در سطوح سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیست محیطی و نظامی دارد. این مکتب، مفهوم امنیت را از دایره تنگ آن در سطح ملی و کلاسیک نظامی خارج کرده و به سمت انسانی و جامعه بنیاد و عملکردی آن سوق داد (Buzan & Waever, 1998: 32). جوزف نای نیز تهدیدهای مرتبط با امنیت و ثبات در عصر پساجنگ سرد را در سه سطح تقسیم‌بندی می‌کند: الف) تهدیدهای سخت (نظامی و تصرف سرزمینی)، ب) تهدیدهای نیمه سخت (ایجاد حکومت

دست نشانده و تهدیدهای اقتصادی) و ج) تهدیدهای نرم به ویژه از طریق جنگ رسانه‌ای برای تسخیر قلوب و اذهان جهت ایجاد ناامنی، شورش و براندازی نرم (نای، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

مشروعیت سیاسی، مهمترین معیار یا مولفه‌ای است که حکومت شونده‌گان یا مردم بر این اساس، برای حاکمان و حکومت، حق اعمال قدرت یا اقتدار قائل شده و به آن رضایت می‌دهند. «اقتدار» در تمایز با «قدرت» به قدرت سیاسی مشروع و پذیرفته شده از سوی مردم اطلاق می‌شود (راش، ۱۳۷۷: ۲۰). مشروعیت یک مفهوم مطلق نیست و تلقی از آن از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. در جوامع سنتی، مشروعیت و سازوکارهای آن در قالب سنتی و غیردموکراتیک (در چهارچوب سنت‌ها و عرف تاریخی و ریشه‌دار جامعه) تعریف و نهادینه می‌شود، اما در جوامع مدرن و دموکراتیک در قالب قانونی، عقلانی و دموکراتیک تلقی می‌شود. عقلانیت در مفهوم وبری، عمدتاً به سازوکار روابط و فنی شدن مناسبات و سازمانی شدن کنش‌ها معطوف می‌شود؛ مشروعیت قانونی بر این باور متکی است که قدرت در چهارچوب قانون و پذیرش مستقیم و غیرمستقیم و اگذارشده و آنچه به‌طور قانونی انجام‌یافته مشروع دانسته می‌شود (عالم، ۱۳۹۱: ۱۰۸).

امروزه وقتی از اقتدار یا مشروعیت صحبت می‌شود، دو معنی می‌توان از آن برداشت کرد که عبارتند از: الف) مشروعیت تاسیسی که ناشی از انتخابات و فرایندهای قانونی و دموکراتیک است، که رضایت و اطاعت عمومی را به دنبال دارد؛ ب) مشروعیت عملکردی. از دید وبر، اطاعت شهروندان از دولت تابعی از میزان اقتدار یا مشروعیت دولت به لحاظ تاسیسی، عملکردی، پاداش‌ها، ضمانت‌های اجرایی و تنبیه‌های قانونی است (راش، ۱۳۷۷: ۲۱).

یکی از رویکردهای تبیین‌کننده مشروعیت یا اقتدار، رویکرد نهادی است. این رویکرد، مرتبط با عملکرد و نحوه حکمرانی حکومت در ابعاد گوناگون نظم بخشی، تولید امنیت، خدمات رسانی، اقتصادی و مانند آن است. از این زاویه، بین اعتماد و مشروعیت نظام سیاسی و نحوه حکمرانی و عملکرد حکومت، ارتباط مستقیمی وجود دارد (Schoon & Cheng, 2011: 3). دیوید ایستون، نظریه‌پرداز برجسته تئوری سیستمی نیز بر این نظر است که مشروعیت و پذیرش اقتدار حکومت بستگی به

این دارد که از یک سو، چگونه اکثریت شهروندان نسبت به عملکرد حکومت، اعتماد و رضایت دارند. از سوی دیگر، مشروعیت حکومت تابعی از قانونمندی و سطح نمایندگی و فرصت‌سازی برای مشارکت و فعالیت نهادهای مدنی و صنفی است. از دید لوسین پای، مهمترین دلایل بحران مشروعیت عبارتند از: عدم پذیرش و بی‌اعتمادی مردم به نهادهای حکومتی، گسترش آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم نسبت به چالش‌های سیاسی، ضعف عملکردی حکومت، عدم پذیرش توجهات و اشکال قدیمی مشروعیت توسط مردم و نسل جدید و سطح پایین ظرفیت و پاسخگویی حکومت (پای، ۱۳۸۰: ۲۱۳-۲۱۴). در حقیقت، مشارکت و همکاری و تعامل با دولت در ارتباط مستقیم با برداشت و باور مردم نسبت به میزان مشروعیت دولت و کارآمدی یا ظرفیت دولت و خدمات رسانی آن به مردم و گروه‌های گوناگون جامعه است (OECD, 2010: 7).

هانتینگتون از نظریه پردازان مهم سیاسی، بحران اقتدار یا مشروعیت را سرمنشا مهم ظهور بی‌ثباتی‌های سیاسی - اجتماعی در جهان سوم می‌داند. مهمترین عوامل سبب‌ساز این بحران از دید وی عبارتند از: عدم نهادمندی و قانونمندی حکومت و کنشگران سیاسی، قانون شکنی حکومت و کنشگران سیاسی و اجتماعی، فقر، ناکارآمدی حکومت، بحران‌های اقتصادی، بی‌ثباتی‌های سیاسی، جنگ داخلی، شورش‌ها و مانند آن (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۱۰).

لیپست معتقد است کارآمدی عبارت است از تحقق عینی یا توان سیستم در تحقق کارکردهای اساسی یک حکومت به گونه‌ای که اکثریت مردم، آن را به عینه مشاهده کنند. از دید وی، کارآمدی، مقوله‌ای با ماهیت ابزاری است، درحالی‌که مشروعیت مقوله ارزشی است. وی در مورد کارآمدی معتقد است که افول مستمر یا بلندمدت کارآمدی، ثبات یک نظام مشروع را به مخاطره می‌اندازد (حاتمی، ۱۳۸۹: ۶۳). البته در این نوشتار باور بر آن است که این اظهارنظر را شاید بتوان در ارتباط با گذشته پذیرفت، اما در حال حاضر و در آینده نه چندان دور به دلیل گسترش امواج انقلاب ارتباطات، آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی و تحول نسلی و فکری فزاینده، چندان پذیرفته نیست، لذا حکومت‌ها ناگزیر از ترکیب و چنگ زدن به مبانی قانونی-عقلانی و عملکردی مشروعیت و اقتدار هستند.

در ادبیات سیاسی در چند دهه اخیر، نظریه «دولت نظریه شکننده یا ضعیف»^۱ در مقابل «دولت قوی»^۲ مطرح شده است. این دو اصطلاح را می‌توان در تایید و به عنوان پشتوانه بحث نظری مشروعیت قانونی و کارکردی به کار برد. مشخصات دولت‌های ضعیف و شکننده عبارتند از: توان اجرایی بسیار ضعیف، سطح پایین درآمدهای مالی و مالیاتی، ناتوانی در برآورده کردن تقاضاهای جامعه، اراده ضعیف دولت در اعمال اقتدار، ناتوانی در ارائه خدمات کافی و لازم به شهروندان و سست شدن مشروعیت آن در میان مردم و دولت‌ها در عرصه بین‌المللی (یزدان فام، ۱۳۹۰: ۲۷). دولت‌های ضعیف و شکننده به دلیل ناتوانی از انجام کارویژه‌های اساسی در عرصه‌های گوناگون به ویژه امنیتی و خدمات رسانی، مشروعیت خود را تضعیف کرده و در نهایت از دست می‌دهند و بسیار شکننده می‌شوند (Rotberg, 2009: 2-3). از دید بری بوزان، اصلی‌ترین نگرانی در دولت‌های شکننده، نگرانی نسبت به تهدیدهای داخلی یا بی‌ثباتی سیاسی - اجتماعی است (بوزان، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

مهمترین شاخص‌های دولت‌های قوی از دید موسسات بین‌المللی همچون «برنامه توسعه سازمان ملل متحد»، «سازمان شفافیت بین‌المللی» و «خانه آزادی» عبارتند از: سطح بالای امنیت، عدم رواج خشونت‌های سیاسی، قانون‌گرایی، عدالت قضایی، تضمین آزادی‌های سیاسی و مدنی، ایجاد محیط مناسب برای رشد و توسعه اقتصادی و حکومت قانون (Rotberg, 2009: 4). از دید بری بوزان، ایجاد دولت قوی شرط ضروری ولی غیرکافی برای گسترش امنیت بین‌المللی است. بدون دولت قوی امنیت خواه ملی یا غیرملی وجود نخواهد داشت (بوزان، ۱۳۸۷: ۱۲۹).

۲. تحلیل چرایی عدم سرایت بهار عربی و ثبات در امارات متحده عربی

امارات متحده عربی متشکل از هفت امارت کوچک است که در سال ۱۹۷۱ میلادی استقلال یافت. براساس قانون اساسی، ساختار سیاسی امارات متحده از شورای عالی فدرال، شورای وزیران فدرال و شورای ملی فدرال تشکیل می‌شود. در سال ۱۹۹۶، قانون اساسی جدید تدوین شد (Aartun, 2002: 25). شورای عالی فدرال بالاترین نهاد



1. Fragile & Weak State
2. Strong state

سیاسی در کشور است که متشکل از حکام امارت‌های هفتگانه است، این شورا مسئولیت عزل و نصب مقامات کشوری را به عهده دارد. این شورا از میان اعضای خود یک نفر را در مقام رئیس حکومت انتخاب می‌کند. تعیین سیاست‌های کلی کشور، انتخاب رئیس و نخست‌وزیر کشور، انتخاب رئیس و قضات دیوان عالی، موافقت با قوانین اتحادیه قبل از صدور آن، موافقت با معاهده‌ها و قراردادهای بین‌المللی در حوزه اختیارات شورا عالی فدرال است (Al-Suwaidi, 2011: 3). امارات متحده عربی، دارای حکومت اقتدارگرا و غیردموکراتیک است. از منظر سیاسی، ساختار قدرت سیاسی در امتداد خطوط قبیله و خانواده دور می‌زند و بافت قبیله‌ای و سنت‌ها و مذهب، مهمترین ستون‌ها و مبانی مشروعیت سیاسی حکومت هستند. به‌رغم وجود آزادی‌های اجتماعی و پیشرفت اقتصادی و رفاه در امارات، این کشور از نظر مشارکت و آزادهای سیاسی در سطح پایینی قرارداد و نهادهای مدنی با محدودیت‌های زیادی مواجه هستند (BTI, 2014: 8).

در ادبیات توسعه سیاسی، باور بر آن است که انقلابات و جنبش‌های اجتماعی مهم و دموکراتیک دارای اثرات سرایتی است و کشورهای برخوردار از نارضایتی‌های مشابه، دیر یا زود از تحولات انقلابی کشورهای همجوار یا حتی غیر همجوار تاثیر خواهند پذیرفت. نظریه پردازان، از وقوع تحولات انقلابی در کشور دیگر به مثابه «کاتالیزور یا سرعت بخش» و جرقه و نیز «فرصت سیاسی مساعد» برای شعله‌ور شدن انقلاب در کشور دیگر یاد می‌کنند. اما این جرقه و سرایت زمانی عمل خواهد کرد که در آن کشور، اکثریت مردم دارای نارضایتی‌های شدید یا نسبتاً شدید سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باشند و درخواست‌ها برای اصلاحات به نتیجه مطلوب نرسیده باشند. اما در نبود نارضایتی‌ها یا کم بودن شدت نارضایتی‌ها و نبود شرایط مساعد دیگر، تحولات انقلابی در کشور دیگر و همجوار، سرایت نخواهد کرد. در این ارتباط، امارات متحده عربی، بهترین مثال یا مصداق بارز است؛ به جزء یک یا دو مورد حرکت اعتراضی محدود، در این کشور برخلاف برخی کشورهای دیگر منطقه، جنبش اعتراضی و انقلابی فراگیر رخ نداد. در این کشور، به تاثیر از بهار عربی، یک راهپیمایی محدود غیرسیاسی توسط کارگران مهاجر با هدف بهبود شرایط زندگی رخ داد اما استمرار نیافت. درخواستی از سوی روشنفکران

مبنی بر لزوم برگزاری انتخابات آزاد امضا شد و در قالب یک راهپیمایی محدود ارائه شد و به دنبال آن، تعدادی بازداشت شدند. نکته قابل تأمل دیگر آن که امارات برخلاف کویت، بحرین، عربستان و قطر، تقریباً فاقد تجربه اعتراضات سیاسی جدی در گذشته بوده است تا بتواند دست‌مایه‌ای برای شروع اعتراضات جدی پس از بهار عربی شود (Niethammer, 2012: 2-3). کشور امارات متحده عربی رتبه ۳ منطقه‌ای در خاورمیانه و شمال آفریقا و رتبه ۴۰ در سطح جهانی را به خود اختصاص داده است؛ لذا از شاخص‌های کشور باثبات برخوردار است.

جدول شماره ۱: رتبه و نمره ثبات و صلح در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۱۴

کشورها	نمره	رتبه جهانی	رتبه منطقه‌ای	کشورها	نمره	رتبه جهانی	رتبه منطقه‌ای
قطر	۱/۴۹۱	۲۲	۱	الجزایر	۲/۲۳۹	۱۱۴	۱۰
کویت	۱/۶۷۹	۳۷	۲	ایران	۲/۴۳۷	۱۳۱	۱۱
امارات عربی متحده	۱/۷۴۸	۴۰	۳	لیبی	۲/۴۵۳	۱۳۳	۱۲
اردن	۱/۸۶۱	۵۶	۴	مصر	۲/۵۷۱	۱۴۳	۱۳
عمان	۱/۸۸۹	۵۹	۵	لبنان	۲/۶۲۰	۱۴۶	۱۴
مراکش	۱/۹۱۵	۶۳	۶	یمن	۲/۶۲۹	۱۴۷	۱۵
تونس	۲/۰۰۱	۷۹	۷	اسرائیل	۲/۶۸۹	۱۴۹	۱۶
عربستان	۲/۰۰۳	۸۰	۸	سودان	۳/۳۶۲	۱۵۷	۱۷
بحرین	۲/۲۲۵	۱۱۱	۹	عراق	۳/۳۷۷	۱۵۹	۱۸

Institute for Economics & Peace.org

حکومت فدرال امارات متحده برای جلوگیری از اشاعه بهار عربی به این کشور از روش سرکوب استفاده کرد و تعداد قابل توجهی از افراد معترض را بازداشت کرد. گزارش‌ها حاکی از آن هستند که حاکم ابوظبی از ارتش مزدور خارجی برای جلوگیری از گسترش قیام‌ها استفاده کرد (Kamrava, 2012: 97). اما چرا در کشورهای دیگر از جمله بحرین و یمن، سرکوب، کارگر نشد و به قیام انقلاب انجامید اما در امارات، استمرار نیافت؟ لذا بایستی دلایل را در جای دیگر جست‌وجو کرد. سرکوب، راه حل موثری نیست و صرفاً در کوتاه‌مدت جواب می‌دهد.

در این نوشتار، تلاش شده است براساس مولفه کارآمدی اقتصادی و رفاهی در بحث نظری پیرامون مشروعیت عملکردی- کارکردی و بعد اقتصادی امنیت و ثبات در مکتب کپنهاگ و نیز مولفه‌های عملکردی در نظریه دولت توانمند در مقابل

دولت ضعیف، چرایی ثبات سیاسی و عدم وقوع جنبش اجتماعی و انقلابی در امارات در بستر تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا توضیح داده شود.

۳. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و ثبات سیاسی در امارات متحده عربی

در میان کشورهای خاورمیانه، بالاترین ضریب نفوذ اینترنت مربوط به امارات متحده عربی است. درصد کاربران اینترنت در امارات متحده از ۳۴/۷ درصد در سال ۲۰۰۵ به ۹۳/۲ درصد در سال ۲۰۱۵ افزایش یافته است. تعداد کاربران اینترنت از ۱/۳۰۰/۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۵ به ۸/۸۰۷/۲۲۶ در سال ۲۰۱۵ افزایش یافت (Khaleej Times: 2009). امارات در بین کشورهای حوزه عربی خلیج فارس با بیش از ۴۰ درصد کاربر فیس‌بوک، رتبه نخست را دارد (رک به جداول ذیل). استفاده از اینترنت در این کشور بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ برابر با ۴۱۴ درصد رشد داشته است. با تأسیس «شهر رسانه‌ای دبی»، این شهر به یکی از بهترین و پیشرفته‌ترین شهرهای رسانه‌ای در خاورمیانه تبدیل شده است. هدف، تبدیل این شهر به مرکزی برای جذب اطلاعات جهانی به‌ویژه در زمینه رسانه‌ای و ارتباطات و ادغام در «جامعه جهانی اطلاعات» بود (پالیزدار، راه‌چمنی، ۱۳۹۳: ۱۱۳-۱۱۲).

جدول شماره ۲: کاربران اینترنت و فیس‌بوک در امارات متحده عربی در سال ۲۰۱۱

کشور	جمعیت کل	تعداد کاربران اینترنت	درصد نفوذ اینترنت	تعداد کاربران فیس‌بوک	درصد نفوذ فیس‌بوک
امارات متحده عربی	۹/۲۰۶/۰۰۰	۵/۸۵۹/۱۱۸	۷۰/۹	۳/۴۴۲/۹۴۰	۴۱/۷

www.internetworldstats.com

جدول شماره ۳: درصد کاربران اینترنت در امارات متحده عربی (۲۰۰۵-۲۰۱۵)

سال	کاربران	درصد
۲۰۰۵	۱/۳۰۰/۰۰۰	۳۴/۷
۲۰۱۰	۳/۷۷۷/۹۰۰	۷۰/۱
۲۰۱۱	۴/۵۷۴/۵۷۸	۷۰/۹
۲۰۱۲	۵/۸۵۹/۱۱۸	۷۵/۲
۲۰۱۵	۸/۸۰۷/۲۲۶	۹۳/۲

www.internetworldstatics.com

از حیث فضای کلی رسانه‌ای، در قانون اساسی این کشور، آزادی بیان و آزادی مطبوعات پذیرفته شده است اما در عمل، دولت با روش‌های اقتدارگرایانه این

حقوق را محدود کرده است. قانون، انتقاد از حاکمان و همچنین سخنانی که ممکن است موجب ایجاد یا تشویق ناآرامی‌های اجتماعی شود را ممنوع کرده است. روزنامه نگاران و سردبیران در کشور امارات به خودسانسوری روی آورده‌اند؛ به‌ویژه آنکه بیشتر روزنامه‌نگاران اصالتاً غیریومی هستند و در صورت چاپ مطالب انتقادی، با خطر اخراج از کشور مواجه می‌شوند. انتقاد عمومی از دولت و وزرای آن به شکل محدود مجاز است، اما انتقاد از خانواده حاکم به‌ویژه شیوخ حاکم به کلی ممنوع است. در این رسانه‌ها تمامی معایب و معضلات جهان منعکس می‌شوند، اما در ارتباط با چالش‌های درون جامعه نظیر فساد اداری و مالی، تفاوت سطح زندگی شهروندان، بیکاری شهروندان، بیکاری میان فارغ‌التحصیلان، کاستی‌ها در دستگاه اداری، کاهش کیفیت خدمات بهداشتی، نبود آزادی بیان و مشارکت سیاسی، اتلاف اموال عمومی، ضعف نظام آموزشی و غیره چندان صحبتی به میان نمی‌آید (الیوسف الخلیفه: ۲۰۰۴: ۱۹۴).

برطبق آمار خانه آزادی، امارات متحده عربی در زمینه آزادی اینترنت، امتیاز ۶۷ از ۱۰۰ را دارد (امتیاز بالاتر نشان دهنده آزادی کمتر است). مهمترین خطوط قرمز در استفاده از اینترنت در این کشور عبارت از الزام به عدم نقض اخلاقیات، اصول اجتماعی، ارزش‌های خانوادگی و عدم هتک حرمت به اسلام هستند (فالیزدار و راه‌چمنی، ۲۱۸: ۱۳۹۳). دولت محدودیت‌های زیادی در دسترسی به برخی از وب‌سایت‌ها، اتاق‌های چت و وبلاگ‌ها ایجاد کرده است. مراکز ارائه دهنده خدمات اینترنتی توسط دولت کنترل می‌شوند (Human Rights, 2011: 13).

پس از وقوع بهار عربی، دولت امارات متحده عربی به شدت بر محتوای اینترنت، نظارت و کنترل اعمال کرده است (Al-Jenaibi, B, 2011: 4). پس از بهار عربی، دولت امارات برای جلوگیری از به چالش کشیده شدن دولت در فضای سایبری، ابتدا وب‌سایت‌های سیاسی را مسدود و سپس در سال ۲۰۱۲ قانون جرائم اینترنتی را به تصویب رساند. پس از رویدادهای اخیر در منطقه، سانسور محتوای اینترنت توسط مقامات اماراتی افزایش یافت و بسیاری از وب‌سایت‌ها که در آن کاربران آشکارا خواستار اصلاحات سیاسی بودند، مسدود شدند و بسیاری از وبلاگ نویسان به خاطر بحث‌های سیاسی دستگیر شدند (Freedomhouse.org).

در امارات متحده، بیشترین استفاده از اینترنت در زمینه‌های تجاری برای تبلیغ و فروش کالاها و سرگرمی صورت می‌گیرد. الجنبی در یک مطالعه کمی با روش نظرسنجی از ۵۵۶ نفر در امارات از اقشار گوناگون مانند کارمندان، معلمان، دانشجویان، فروشندگان، مدیران و اقشار دیگر، محتوا و نوع علاقه‌مندی‌های کاربران اینترنتی را مورد مطالعه قرار داده است. نتیجه مطالعه وی نشان می‌دهد که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به ویژه فیس‌بوک در زندگی و حیات اجتماعی مردم امارات نقش زیادی داشته است. بیشترین علاقه‌مندی و انگیزه کاربران اماراتی در استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بر طبق نظرسنجی انجام شده به ترتیب عبارت بودند از: کسب مشتری ۴۴ درصد، کسب اطلاع و خبر از دیگران ۴۳ درصد، آسان سازی کارها و فعالیت‌ها ۳۷ درصد، گسترش دانش و آگاهی ۲۲ درصد و اصلاح اشتباهات ۸ درصد (Al-Jenaibi, 2011).

در تحلیل نهایی باید گفت که گرچه سرکوب فعالان رسانه‌ای، خطوط قرمز و نیز فضای بسته رسانه‌ای و نیز تشدید فضای کتلی بر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی پس از وقوع بهار عربی در حفظ ثبات سیاسی و جلوگیری از اشاعه اعتراضات در این کشور تاثیر داشته است، اما چرا همین محدودیت‌ها در بحرین و کشورهای دیگر نتوانست مانع از بی‌ثباتی و حرکت‌های انقلابی شود. در پاسخ باید گفت فضای اقتصادی و کسب و کار حاکم بر امارات باعث شده است که یکی از مهمترین دلمشغولی‌ها و انگیزه‌های غالب بر کاربران در استفاده از اینترنت، پیشبرد علایق تجاری و بازاریابی باشد. علاوه بر آن، نتایج مطالعه تجربی یادشده نیز نشان داد که قابلیت‌های سرگرمی و ارتباطی اینترنت و شبکه‌های اجتماعی برای کاربران به مراتب مهمتر از ابعاد و کاربردهای سیاسی آن بود.

نکته و پاسخ شایان ذکر دیگر آن است که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و نوع کاربردهای آن، تافته جدا بافته‌ای از جامعه، حکومت و شرایط سیاسی و اقتصادی جامعه نمی‌تواند باشد. شرایط جامعه امارات حاکی از رشد و پویایی اقتصادی و رفاهی بالا است، لذا مشروعیت عملکردی حکومت از پتانسیل سیاسی‌تر شدن جامعه تاکنون به شدت کاسته است، بنابراین در این بستر، انگیزش قوی برای کاربردهای سیاسی و بسیج‌گری اینترنت همانند تعدادی از کشورهای منطقه نیست و

دو حرکت یادشده پس از بهار عربی نیز چندان رادیکال نبود و استمرار نیافت. در ارتباط با دلایل اقتصادی در عدم گسترش رادیکالیسم به تاثیر از فضای سایبری در قسمت مربوط به خود در این نوشتار، توضیح داده خواهد شد. علاوه بر آن، مشروعیت مذهبی حکومت نیز مانع از همراهی جامعه سنتی با روشنفکران جهت استفاده از قابلیت‌های فضای سایبری برای بسیج علیه حاکمیت می‌شود. این در حالی است که در کشورهای دیگر مانند مصر، تونس و بحرین، بحران‌های مشروعیت و ناکارآمدی منجر به انگیزش بسیار بالای فعالان و معترضان از فضای سایبری و اینترنتی جهت بسیج جمعیت علیه حکومت شد و رسانه‌های نوین، به مثابه کاتالیزور و شتابزا عمل کردند.

۴. تحلیل رابطه ساختار جمعیتی با ثبات سیاسی

در ادبیات نظری در علوم اجتماعی نظر بر آن است که مهاجرت به دلایلی همچون تعارض فرهنگی و قومی مهاجران با جمعیت بومی، سطح پایین استانداردهای رفاهی و معیشتی، استثمار اقتصادی، عدم برخورداری از حقوق شهروندی، برهم خوردن توازن جمعیتی و بیکاری جمعیت بومی می‌تواند سبب جنبش‌های اعتراضی شود، لذا این موضوع به یکی از مصادیق جدید در حوزه امنیت و ثبات سیاسی تبدیل شده است. اما در امارات متحده، وجود جمعیت فزاینده مهاجر و غیربومی بالغ بر ۸۵ درصد از کل جمعیت و برهم خوردن شدید توازن جمعیتی ناشی از مهاجرت، (به غیر از یک اعتراض اجتماعی و غیرسیاسی محدود)، جنبش اجتماعی اعتراضی از سوی مهاجران رخ نداد و این کشور همچنان شاهد ثبات و ایستایی سیاسی است که دلایل آن توضیح داده خواهند شد.

دولت تازه تأسیس امارات متحده عربی در آغاز دهه ۱۹۷۰ به دلیل افزایش قیمت نفت، سیاست توسعه اقتصادی را دنبال کرد. از آنجایی که این کشور نیروی کار کافی برای انجام پروژه‌های زیربنایی نداشت، مجبور به استخدام نیروی کار خارجی ماهر و غیرماهر از کشورهای آسیایی، آفریقایی و اروپایی شد. حقوق و مزایای اعطاشده به مهاجران منجر به تشویق کشورهای فقیر به فرستادن نیروی کار کشور شد (Mansour: 2014 4). گفته می‌شود در پنج سال گذشته یعنی تا سال ۲۰۱۳،

جمعیت غیربومی کشور از رشد ۷۵ درصدی برخوردار شده است (Al-Jenaibi, 2013: 5). نرخ رشد سالانه مهاجرت در این کشور ۶/۳ درصد است (Aartun, 2002: 81). حدود ۹۰ درصد از نیروی کار مهاجر در بخش خصوصی با دستمزد بسیار پایین اشتغال دارند. از دلایل اصلی حضور نیروهای کار خارجی در امارات متحده عربی این است که اتباع اماراتی به دنبال کار دولتی با دستمزدهای بالا هستند و آنان حاضر به کار در شرکت‌های خصوصی با دستمزد پایین نمی‌شوند و از سوی دیگر، اتباع بومی، مهارت کافی و تخصص لازم را ندارند (Aartun, 2002: 79-73).

جدول شماره ۴: ترکیب جمعیت بومی و غیربومی (۲۰۱۰-۲۰۰۶)

متغیر	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰
غیربومی	۴۱۶۱۲۲۰	۵۳۴۱۲۶۵	۷۱۶۸۷۶۹	۷۲۶۶۶۱۵	۷۳۱۶۰۷۳
بومی	۸۵۱۱۶۴	۸۷۷۷۶۴	۹۰۴۸۵۷	۹۳۳۳۸۱	۹۴۷۹۹۷

Source: National bureau of statistics, UAE

عدم تعادل بین تعداد جمعیت غیربومی و جمعیت بومی امارات، پیشاپیش به‌عنوان یک خطر علیه امنیت ملی کشور به شمار می‌رود. دولت امارات تدابیر زیادی را برای مهار این معضل اندیشیده است که از آن جمله باید به حمایت مالی از ازدواج جوانان و سرمایه‌گذاری در کلینیک‌های درمانی ناباروری میان زوج‌های اماراتی اشاره کرد (Ghanem, 2001: 260). بیشترین جمعیت ساکن غیربومی امارات متحده عربی هندی‌ها هستند که جمعیتی بیش از ساکنین بومی امارات متحده عربی داشته و حدود ۲,۸۷۲,۲۰۲ میلیون نفر را شامل می‌شوند (Human Rights, 2013: 27). ۸۵ درصد از جمعیت موجود در امارات در سال ۲۰۱۳، شهری و ۱۵ درصد، روستایی بودند.

به لحاظ سیاسی، در این کشور، تشکیل هر نوع حزب سیاسی ممنوع است و اجتماعات و انجمن‌ها با محدودیت همراه هستند. غیربومی‌ها از حقوق سیاسی و شهروندی برخوردار نیستند، لذا آنان از ایجاد هرگونه تشکل سیاسی و مدنی محروم بوده و تنها شهروندان بومی اجازه تشکیل اتحادیه یا انجمن‌ها را دارند. در پایان سال ۲۰۱۲ حدود ۱۳۰ انجمن وجود داشت که عمدتاً با اهداف اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، فرهنگی و ورزشی ایجاد شده بودند. بااین‌وجود بسیاری از این انجمن‌ها

غیرفعال هستند و در زمینه مسائل سیاسی ناگزیر از خودسانسوری بوده و بدون اجازه دولت نمی‌توانند مطلبی را منتشر کنند (Human Rights, 2013: 15).

از این زاویه می‌توان چرایی عدم سرایت بهار عربی و استمرار ثبات سیاسی در امارات متحده را در عدم برخورداری اکثریت قاطع جمعیت بومی این کشور از حقوق شهروندی و سیاسی بررسی و تحلیل کرد. جمعیت غیربومی یا مهاجر در وضعیت عدم برخورداری از حقوق شهروندی و حق سیاسی برای تشکیل اجتماعات و انجمن‌ها، یک جمعیت خنثی و منفعل است. در هنگام وقوع بهار عربی، این انفعال و نبود تشکیلات سیاسی و صنفی در کنار سرکوب حکومتی، منجر به عدم وقوع جنبش اجتماعی و انقلابی و تن دادن آنها به وضع موجود و عافیت‌طلبی سیاسی شد. پس از وقوع بهار عربی، تنها یک مورد حرکت اعتراضی با ماهیت صنفی و غیرسیاسی رخ داد و توسط حکومت سرکوب شد و هرگز استمرار نیافت. در حقیقت، شهروندی بدون حقوق سیاسی و اجتماعی محلی از اعراب نخواهد داشت و حاکمیت به اعتبار همین دلیل، می‌تواند سرکوب یا عدم اجازه فعالیت صنفی و مدنی-سیاسی به غیرشهروندان یا مهاجران را توجیه کند. از همین زاویه بایستی گفت که روابط دوستانه حکومت امارات متحده با غرب و ایالات متحده می‌تواند دلیل دیگری برای محافظه کاری سیاسی مهاجران و بی‌انگیزشی به سمت جنبش‌های اجتماعی و اعتراضی باشد.

در امارات، مهاجران علاوه بر تبعیض‌های سیاسی و عدم برخورداری از حقوق سیاسی، از تبعیض‌های اجتماعی نیز تا حدی رنج می‌برند. البته تبعیض‌های اجتماعی به اندازه و شدت تبعیض‌های سیاسی نیستند. آنان از استانداردهای رفاهی و اجتماعی نسبتاً خوبی برخوردارند، البته در حد و اندازه شهروندان بومی نیست. در این ارتباط می‌توان به محرومیت مهاجران از مشارکت در مناقصه‌ها و استخدام در شرکت‌های دولتی اشاره کرد. هرچند دولت در جهت بهبود استانداردهای زندگی برای همه ساکنان تلاش کرده اما در حد انتظار مطلوب نبوده است. قانون به صراحت اعتصاب کارگران بخش خصوصی را منع نمی‌کند، اما در عمل کارگران با محدودیت‌های زیادی در این زمینه روبه‌رو هستند و قانون به کارفرما اجازه می‌دهد تا یک کارگر را به‌طور موقت به حالت تعلیق درآورد. علاوه بر این، دولت ممکن

است اجازه کار را لغو کرده و کارگرانی را که برای بیش از هفت روز بدون دلیل موجه غیبت داشته باشند را اخراج کند یا اینکه فرد را از کار کردن در این کشور به مدت یک سال منع کند. (Sabban, 2002: 41-42).

علاوه بر دلایل فوق، رفاه و فرصت‌های شغلی مناسب نیز دلیل دیگری بر عدم اقدام کارگران مهاجر به اعتراض جمعی پس از وقوع بهار عربی شد. با وجود شرایط کاری و اجتماعی نسبتاً دشوار و استانداردهای رفاهی نسبتاً پایین برای مهاجران، مشکلات اقتصادی در کشور مبدأ، بیکاری اسفناک و سطح رفاهی به مراتب وخیم‌تر از امارات و رفاه نسبی در این کشور، سبب شده است که امارات برای آنان یک مدینه فاضله قلمداد شود؛ لذا مشروعیت عملکردی و رفاهی دولت مانع از انگیزش جدی آنان به سمت اعتراض جمعی شده است.

۵. کارآمدی و مشروعیت عملکردی - رفاهی و ثبات سیاسی

گرچه دولت امارات متحده در چهارچوب الگوهای مشروعیتی جوامع مدرن و دموکراتیک، فاقد مشروعیت سیاسی است اما در چهارچوب جامعه سنتی سیاسی به دلیل توسل به منابع سنتی و مذهبی مشروعیت، از مشروعیت سیاسی تاسیسی در نزد اکثریت جمعیت به ویژه اقشار سنتی و مذهبی جامعه برخوردار است. از سوی دیگر، حکومت امارات به خاطر عملکرد بهتر از زاویه اقتصادی، رفاهی و خدماتی از مشروعیت عملکردی و کارکردی در نزد بخش قابل توجهی از مردم و جوانان برخوردار است. در بحث نظری، گفته شد که بین شاخص‌های دولت توانمند و کارآمد و مشروعیت عملکردی - رفاهی با ثبات سیاسی و عدم شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی و تحولات انقلابی، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. لذا در جامعه دوگانه سنتی به لحاظ سیاسی و مدرن به لحاظ اجتماعی همچون امارات، اکثریت جامعه، عدم وجود آزادی‌های سیاسی و اقتدارگرایی سیاسی را تاکنون تحمل کرده و به خاطر مشروعیت عملکردی حکومت، در این کشور، بهار عربی، صورت نگرفت.

نفت، بیش از ۷۵ درصد از درآمدهای عمومی این کشور را تشکیل می‌دهد، اما نمی‌توان نقش دولت را در تنوع‌بخشی به اقتصاد و رشد اقتصادی نادیده

انگاشت (Patru, 2010: 16). کشف نفت، افزایش بی‌سابقه قیمت نفت در دهه ۱۹۷۰ و اتخاذ سیاست‌های اقتصاد باز باعث شدند که اقتصاد امارات از آغاز تاسیس دولت، به سرعت متحول شده و به سمت جامعه مدرن حرکت کند (Al-Suwaidi, 2011: 17). ذخایر نفتی اثبات شده امارات ۹۷/۸ میلیارد بشکه است و این کشور رتبه هفتم را در جهان دارد و در زمینه گاز طبیعی نیز، رتبه هفتم جهانی را دارد (معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، تیرماه ۱۳۸۹).

با وجود منابع غنی نفت و گاز، دولت به دنبال تنوع‌بخشی به اقتصاد است. سهم نفت و گاز در تولید ناخالص ملی از ۳۴ درصد در سال ۲۰۰۵، به ۲۹ درصد در سال ۲۰۰۹ کاهش یافت. در همین حال سهم بخش‌هایی مانند تجارت، گردشگری، ساخت‌وساز و املاک و مستغلات از رشد ۴۵ درصدی برخوردار شد (Al-Suwaidi, 2011: 8). در این کشور مناطق آزاد تجاری نیز نقش بسیار مهمی را در میزان تولید ناخالص داخلی ایفا کرده و این کشور را به یک مرکز تجاری، بازرگانی و مالی در منطقه تبدیل کرده است. سهم بخش‌های مختلف در تولید ناخالص داخلی امارات متحده عربی عبارتند از: کشاورزی ۱/۱٪، صنعت ۴۸/۶٪ و خدمات ۵۰/۲٪. تعداد نیروی کار این ۳۱۶۹۰۰۰ نفر و نرخ بیکاری آن ۲/۴٪ است (سلیم‌زاده، ۱۳۹۲: ۶۱).

درآمد سرانه در امارات متحده عربی افزایش جدی داشته است، به طوری که از ۴۰ هزار دلار در سال ۲۰۰۵، به ۴۴ هزار دلار در سال ۲۰۱۴ افزایش یافت. امارات متحده عربی بالاترین سطح درآمد سرانه را در میان کشورهای عرب حوزه خلیج فارس دارد. از حیث تولید ناخالص داخلی، امارات از سال ۲۰۰۵ تاکنون از سیر صعودی بسیار قابل توجهی برخوردار بوده است؛ به طوری که از ۱۸۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ به بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ افزایش داشته است (BTI, 2014: 18). از نظر ارزش تولید ناخالص داخلی، این کشور بعد از عربستان در میان کشورهای شورای همکاری رتبه دوم و در میان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بعد از عربستان و ایران رتبه سوم را دارد. این کشور از نظر آزادی تجارت بین‌الملل نیز رتبه پنجم جهانی را دارد (معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، تیرماه ۱۳۸۹).

جدول شماره ۵: تولید ناخالص داخلی (GDP) و درآمد سرانه امارات متحده عربی از سال ۲۰۰۵-۲۰۱۳

سال	GDP میلیارد دلار	درآمد سرانه (هزار دلار)	سال	GDP میلیارد دلار	درآمد سرانه (هزار دلار)
۲۰۰۵	۱۸۰	۴۰	۲۰۱۲	۳۷۳	۴۱
۲۰۱۰	۲۸۶	۳۴	۲۰۱۳	۴۰۲	۴۲
۲۰۱۱	۳۴۸	۳۹	۲۰۱۴	۴۰۰	۴۴

www.databank.worldbanke.org

امارات متحده عربی از زمان تأسیس، چشم‌انداز اقتصادی خود را مبتنی بر اصول بازار با تأکید بر دستیابی به یک محیط کسب و کار رقابتی، جذب سرمایه‌گذاران خارجی و کارگران مهاجر قراردادده است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در امارات بیش از ۳۵ درصد از کل میزان سرمایه‌گذاری را تشکیل می‌دهد (Patru, 2010: 16). سیاست‌های اقتصادی و استراتژی توسعه در امارات متحده عربی مبتنی بر یک رویکرد سه‌جانبه است که عبارتند از: ۱- دستیابی به ثبات اقتصادی، ۲- حفظ بودجه متعادل در یک محیط معاف از مالیات و ۳- سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز به سود نسل‌های آینده و پروژه‌های زیربنایی در داخل کشور (Al-Suwaidi, 2011: 7-8). امارات متحده در تقسیم‌بندی «برنامه توسعه سازمان ملل متحد» در سال ۲۰۱۴، در ردیف کشورهای با سطح توسعه بسیار بالای منطقه‌ای با رتبه ۵ منطقه‌ای و رتبه ۴۰ جهانی قرار گرفت (UNDP, 2014).

برطبق گزارش بانک جهانی، امارات متحده عربی در ایجاد محیط امن برای کسب و کار در سال ۲۰۱۰ رتبه ۲۶ و در سال ۲۰۱۲ رتبه ۱۴ را به خود اختصاص داد، ولی با این حال خانواده حاکم فعالیت‌های اقتصادی را کنترل می‌کنند. امارات در سال ۱۹۹۶ به‌عنوان یکی از اعضای فعال، به سازمان تجارت جهانی پیوست. برطبق جدیدترین آمار مجمع سالیانه جهانی اقتصاد، امارات رتبه ۲ منطقه‌ای پس از قطر و رتبه ۱۹ جهانی در ارتباط با ثبات در شاخص‌های اقتصادی را در سال ۲۰۱۴ به خود اختصاص داد (گزارش سالیانه مجمع اقتصاد جهانی: ۲۰۱۳-۲۰۱۴).

نکته جالب‌تر آن که امارات متحده تا پیش از سال ۲۰۰۶، دارای هیچ تورم نبود اما در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ شاهد تورم در سطح بسیار کم ۲/۶ درصدی شد که نشانگر بسیار مهمی از توسعه و رشد اقتصادی این کشور است (worldbank).

(2012). امارات در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ دارای رقم ناچیز بیکاری در سطح ۲/۷ درصد بود (UNDP, 2012).

از حیث شاخص‌های اجتماعی نیز، امارات وضعیت مطلوبی داشته است. میانگین امید به زندگی در امارات متحده عربی ۷۷ سال است که نشان‌دهنده وضعیت خوب این کشور نسبت به این متغیر است. مخارج بهداشت عمومی و هزینه‌های بهداشت و درمان در این کشور طی سال‌های متوالی افزایش چشمگیری داشته و ۹۸ درصد از جمعیت به امکانات بهداشتی دسترسی دارند.

جدول شماره ۶: شاخص بهداشت و سلامت در امارات متحده عربی (۲۰۱۳-۲۰۰۵)

شاخص‌ها	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
سرانه هزینه بهداشت	۱/۰۱۰	۱/۱۵۴	۱/۲۲۵	۱/۲۳۵	۱/۵۶۹
سهم هزینه‌های بهداشتی از GDP	۲/۳	۳/۴	۳/۱	۳/۰	۳/۲
نرخ امید به زندگی	۷۶	۷۷	۷۷	۷۷	۷۷
درصد دسترسی به بهداشت از کل	۹۸	۹۸	۹۸	۹۸	-

www.worldbank.org

از حیث شاخص‌های توسعه انسانی، این کشور رتبه ۳۰ جهانی از ۱۸۷ کشور و بالاترین رشد را در خاورمیانه به خود اختصاص داده است. درصد جمعیت زیرخط فقر حداقل و هیچ نابرابری آموزشی وجود ندارد (BTI, 2014: 16). در امر آموزش و پرورش به خصوص برای زنان سرمایه‌گذاری زیادی کرده است و در این زمینه توانسته است به پیشرفت‌های زیادی دست یابد (WHO, 2012: 3).

بنیاد صلح هر ساله کشورها و حکومت‌ها را براساس چند مؤلفه یا شاخصه تحت عنوان «شاخص‌های دولت شکننده» از نمره ۱ تا ۱۲۰ رتبه‌بندی می‌کند؛ هرچه نمره یا رتبه بالاتر باشد، نمایانگر شکنندگی بیشتر آن دولت است. امارات متحده عربی در زمینه این شاخص‌ها، رتبه بهتری نسبت به دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس کسب کرده و رتبه کل آن در جهان ۴۷/۶ است که نشان از اوضاع باثبات سیاسی امارات متحده عربی نسبت به دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس است.

جدول شماره ۷: شاخص‌ها و نمره ثبات امارات متحده عربی در سال ۲۰۱۴

کشور	مداخلات خارجی	نهادهای امنیتی	حکومت قانون	خدمات عمومی	مشروعیت دولت	فقرورکود اقتصادی	توسعه اشتغال	فرار جمعیت	شکایات گروهی	آوارها	فشارهای جمعیتی	رتبه
امارات	۳,۲	۳,۱	۵,۶	۲,۳	۶,۷	۳,۴	۴,۵	۲,۷	۴,۰	۲,۵	۴,۲	۴۷,۶
قطر	۳,۷	۲,۸	۵,۹	۲,۳	۶,۲	۲,۹	۵,۱	۳,۴	۴,۹	۲,۱	۴,۶	۴۸,۹
کویت	۴,۸	۴,۲	۶,۹	۲,۸	۷,۳	۳,۳	۵,۰	۳,۴	۴,۹	۳,۷	۵,۴	۵۹,۰
بحرین	۵,۶	۶,۲	۷,۸	۲,۹	۷,۹	۳,۵	۵,۴	۳,۳	۷,۶	۲,۹	۴,۹	۶۴,۷
عربستان	۵,۳	۶,۹	۸,۸	۴,۰	۸,۱	۳,۹	۶,۱	۳,۴	۷,۷	۴,۹	۶,۹	۷۳,۱
عراق	۷,۹	۱۰,۰	۸,۷	۷,۷	۸,۷	۷,۰	۸,۱	۸,۰	۱۰,۰	۸,۵	۸,۰	۱۰۲,۲

از حیث شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی حکمرانی، امارات وضعیت مطلوبی داشته است، اما از حیث سیاسی، وضعیت بدی دارد و جزو کشورهای اقتدارگرا به حساب می‌آید. جدول بالا شاخص‌های پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، نظارت کیفی، حاکمیت قانون، کنترل فساد و اثرات حکومتی را در کشور امارات متحده عربی را از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۳ مورد بررسی قرار داده است. هرچه نمره کسب شده به ۱۰۰ نزدیک‌تر باشد، نشان از وضعیت متعادل کشور است. هرچند که این کشور طی سال‌های متوالی کوشیده در ثبات سیاسی و عدم خشونت، نظارت کیفی، حاکمیت قانون، کنترل فساد و اثرات حکومتی عملکرد مناسبی داشته باشد و در این زمینه موفق بوده ولی در شاخص پاسخگویی سیر نزولی داشته است. رتبه آن در شاخص پاسخگویی در سال ۱۹۹۸، ۳۴ بود اما در سال ۲۰۱۳ به ۱۸ رسیده است. با وجود مداخله خانواده سلطنتی در فعالیت‌های اقتصادی، این کشور در بین کشورهای منطقه از حیث سلامت اقتصادی، رتبه ۱ و در سطح جهانی رتبه ۲۵ را با اخذ نمره ۷۰ از ۱۰۰ در سال ۲۰۱۴ کسب کرد و در این ارتباط، اتخاذ سازوکارهای اقتصاد آزاد موثر بوده است. (Transparencyinternational, 2014).

جدول شماره ۸: رتبه‌بندی امارات متحده عربی از لحاظ شاخص‌های حکمرانی (۱۹۹۸-۲۰۱۳)

شاخص‌ها	۱۹۹۸	۲۰۰۳	۲۰۰۸	۲۰۱۱	۲۰۱۳
پاسخگویی	۳۴	۲۰	۲۲	۲۴	۱۸
ثبات سیاسی و عدم خشونت	۷۳	۸۱	۷۰	۷۴	۷۶
نظارت کیفی	۷۱	۷۱	۶۹	۶۷	۷۵
حاکمیت قانون	۷۳	۶۸	۶۵	۶۶	۷۱
کنترل فساد	۵۸	۸۱	۸۳	۸۲	۸۸
اثرات حکومتی	۷۷	۷۲	۷۸	۸۲	۸۳

۶. استمرار ثبات سیاسی در امارات متحده عربی پس از وقوع بهار عربی

با استناد به شواهد و داده‌های آماری فوق، روشن و آشکار می‌شود که به صرف وقوع انقلاب در کشورهای دیگر و به صرف تعداد بالای کاربران اینترنتی، بهار عربی نمی‌توانست در امارات متحده بازتاب یابد. حکومت امارات به دلایلی همچون اقتصاد پویا و رقابتی، سطح رفاه بالا و سطح بسیار کم بیکاری و تورم، از مشروعیت عملکردی بالایی برخوردار است. بنابراین، چنین بستری نمی‌تواند برای وقوع و استمرار جنبش‌های اجتماعی و اعتراضی مناسب باشد. گرچه امارات از حیث آزادی‌ها و حقوق سیاسی شهروندی، وضعیت مطلوبی ندارد و ساخت حکومتی، از نوع اقتدارگرا است، اما مشروعیت عملکردی دولت تا حد زیادی از پتانسیل انقلابی جامعه در حال حاضر کاسته است؛ لذا جامعه به بهار عربی پاسخ مطلوب نداد. به همین خاطر، در این کشور، پس از وقوع بهار عربی، دو حرکت اعتراضی با اهداف محدود توسط روشنفکران و اتباع خارجی رخ داد، اما به دلایل فوق استمرار نیافت.

علاوه بر دلایل یادشده، انجام برخی اصلاحات سیاسی و اجتماعی پیش‌دستانه و وجود یک سری محافظه‌کاری و احتیاط سنجی‌های عاقلانه، باعث شدند که در این کشور، همچنان شاهد ثبات سیاسی باشیم که مهمترین آنها عبارتند از: ۱. وجود اجماع بزرگ و خردورزانه ملی مبنی بر این که انجام اصلاحات سیاسی یا دموکراتیک ضرورت دارد، اما نباید به قیمت آسیب زدن به ثبات ملی و توسعه اقتصادی باشد. ۲. بدبینی به دخالت قدرت‌های بزرگ در کشورهای حوزه خلیج فارس در ارتباط با انتقال دموکراسی، ۳. ناکامی تجربه دموکراسی در کشورهای مصر، تونس، لیبی و یمن پس از وقوع بهار عربی و سقوط حکومت‌های اقتدارگرا و ۴. وجود سطح بالای اعتماد بین دولت و مردم در امارات متحده عربی که نتیجه توجه ویژه دولت به نیازهای رفاهی شهروندان است (BTI, 2014: 13).

با این وجود، حکومت امارات متحده عربی برای جلوگیری از وقوع حرکت‌های اعتراضی، پس از سال ۲۰۱۱ مبادرت به یک سری اقدامات و اصلاحات کرد که مهمترین آنها عبارتند از: ۱. مداخله حکومت در سامان دادن تظاهرات نمایشی با مشارکت حامیان حکومت در بحبوحه انقلاب‌های عربی؛ ۲. انجام پاره‌ای

اصلاحات سیاسی محدود و عمدتاً نمایشی مانند اجازه طرح درخواست‌ها توسط مردم و پاره‌ای نهادهای مدنی و وعده تشکیل نهادهای انتخابی و مشارکت بیشتر مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اداره کشور و اصلاح قانون اساسی؛ ۳. تشدید سیاست‌های سختگیرانه و سرکوبگر و بازداشت بیش از ۷۰ تن از فعالان حقوق بشر، اصلاح‌طلبان سیاسی، وبلاگ‌نویسان، وکلا و قضات و محدود کردن شدید آزادی بیان به طوری که این کشور در سال ۲۰۱۳ در ارتباط با آزادی بیان رتبه ۱۱۴ از ۱۷۹ را به خود اختصاص داد. ۴. اختصاص منابع مالی بیشتر به شهروندان به منظور کاهش نارضایتی اجتماعی و جلوگیری از مخالفت بیشتر ۵. افزایش خدمات و مزایای اجتماعی برای جمعیت بومی؛ ۶. افزایش حقوق کارکنان دولت فدرال؛ ۷. اقدام حکومت محلی امارت ابوظبی در ماه مارس ۲۰۱۱ به ایجاد ۶ هزار فرصت شغلی؛ ۸. در سال ۲۰۱۲ در دبی یک صندوق همبستگی اجتماعی برای ارائه رفاه اجتماعی بهتر به خانواده‌های واجد شرایط، به تصویب قانون رسید و در این سال حاکم شارجه ۴۵ درصد از بودجه را به خدمات اجتماعی اختصاص داد (BTI, 2014: 9-20).

نتیجه‌گیری

بهار عربی یا جنبش‌های اجتماعی اخیر در شمال آفریقا و برخی از کشورهای منطقه خاورمیانه، گرچه تا حد قابل توجهی غیرمنتظره بود، اما در غیاب نارضایتی‌های سیاسی-اجتماعی و اقتصادی رخ ندادند. در این انقلاب‌ها، اینترنت، ماهواره‌ها و شبکه‌های اجتماعی در بستر نارضایتی‌های ریشه‌دار، به مثابه کاتالیزور یا سرعت بخش در بسیج اجتماعی عمل کردند. رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی در اشاعه و سرایت انقلابات شمال آفریقا به تعدادی از کشورهای منطقه نیز بسیار تاثیرگذار بودند.

در این تحقیق، ثبات سیاسی حکومت و جامعه امارات متحده عربی با دلایلی همچون مشروعیت کارکردی-عملکردی حکومت، تاثیر فضای اقتصادی کشور بر ترجیح قابلیت‌ها و محتوای سرگرمی و تجاری-بازاریابی اینترنت بر قابلیت‌ها و محتوای سیاسی آن از سوی اکثریت جامعه و جوانان و نیز ساختار جمعیتی

غیربومی و ملاحظه‌کاری سیاسی آنان توضیح داده شد. آمیزه‌ای از دلایل فوق و انجام پاره‌ای اصلاحات سیاسی عمدتاً نمایشی و وعده‌ها برای اصلاحات سیاسی، سیاست‌های سختگیرانه، اولویت مردم بر توسعه اقتصادی و ثبات به عنوان بهترین پشتوانه برای توسعه، انجام پاره‌ای اصلاحات اقتصادی و اجتماعی در کنار سیاست‌های کنترلی، باعث شدند که در این کشور، ثبات سیاسی همچنان حفظ شود. گرچه مشروعیت عملکردی حکومت و استمرار احتمالی رشد و توسعه فعلی کشور در آینده سبب می‌شود که این کشور از ثبات برخوردار باشد، با این وجود، استمرار ثبات در آینده می‌طلبد که حکومت امارات از انجام اصلاحات سیاسی تدریجی و گام به گام غافل نشود. فضای جهانی دموکراسی خواهی، تحول نسلی، اشاعه سریع اینترنت و تحول نظام آموزشی در این کشور، انجام اصلاحات سیاسی در این کشور را گریز ناپذیر می‌سازد.

منابع

الف) فارسی

- بوزان، بری. ۱۳۷۸. **مردم دولت‌ها و هراس**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پالیزدار، فرهاد، راه چمنی، ابوالقاسم. ۱۳۹۳. **رسانه عرب**، ترجمه دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حاتمی، محمدرضا. ۱۳۸۹. **مبانی مشروعیت در اندیشه سیاسی شیعه**، تهران، انتشارات علوم و فنون رازی.
- راش، مایکل. ۱۳۷۷. **جامعه و سیاست**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات سمت.
- سلیم‌زاده، امیرحسین. ۱۳۹۲. **تاثیر اصلاحات ساختاری در اقتصاد امارات متحده عربی در دوده‌های اخیر**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- ساندرز، دیوید. ۱۳۸۰. **الگوهای بی‌ثباتی سیاسی**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عالم، عبدالرحمن. ۱۳۹۱. **بنیادهای علم سیاست**، تهران، نشرنی.
- موفق، سید احمد، کرم‌زاده، مسلم. ۱۳۹۰. «بررسی تاثیر ثبات سیاسی بر توسعه»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۱، شماره ۳.
- نای، جوزف اس. ۱۳۸۷. **قدرت در عصر اطلاعات**، ترجمه سعید میرترابی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هانتینگتون، سموئل. ۱۳۷۵. **سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی**، ترجمه محسن ثلاثی.
- یزدان فام، محمود. ۱۳۸۸. **دولت شکننده و امنیت انسانی**، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- یوسف الخلیفه، یوسف. ۲۰۰۴. «فساد و حکمرانی خوب در کشورهای عربی: مطالعه وضعیت امارات متحده عربی»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، شماره ۵۲-۵۳.

- Al-Jenaibi, B. 2011. "The Use of Social Media in the United Arab Emirates: An Initial Study", *European Journal of Social Sciences*, 23(1).
- Al-Suwaidi, Abdulla. 2011. The United Arab Emirates at 40: a Balance Sheet", *Middle East Policy Council Journal*, VOL. XVIII, NO. 4.
- Aartun, Anne Louise. 2002. **The Political Economy of the United Arab Emirates, An Analysis of the UAE as an Oil Rentier State**, M.A Thesis in political Science University of Oslo.
- BTI**. 2014. "Tunisia Country Report", Available in: <http://www.bti-project.org>.
- Buzan, Barry, Waever, W. 1998. **Security: A New Framework for Analysis**. London: LynneRinner.
- Freitag, Ulrike. 2012. "Saudi Arabia: Buying Stability", in M. Asseberg(ed), **Protest, Revolt & Regime Change in the Arab World**, Berlin, SWP Research Papers.
- Ghanem, Shihab. M. 2001. **Industrialization in the UAE**. [https:// www.uaeinteract.com/uaeint_misc/pdf/perspective](https://www.uaeinteract.com/uaeint_misc/pdf/perspective)
- Kamrava, Mehran. 2012. "The Arab Spring and Saudi-Led Counter Revolution", **Orbis**.
- Khaleej Times**, "UAE Will Spend \$3.3b in IT and Communications," <http://www.khaleejtimes.com>.
- Levins, Charlotte M. 2013. "The Rentier State and the Survival of Arab Absolute Monarchies", *Rutgers Journal of Law and Religion*, Vol.14.
- Mansour, Ahmed M. E. 2014. "The Population Imbalance as a Public Policy Problem in United Arab Emirates", [http:// umdcipe. org/ conferences/DecliningMiddleClassesSpain/Papers/Mansour](http://umdcipe.org/conferences/DecliningMiddleClassesSpain/Papers/Mansour)
- Niethammer, Katja. 2012. "Clan & Squalls: the Small Gulf Monarchies in the Arab Spring", in M. Asseberg(ed), **Protest, Revolt & Regime Change in the Arab World, Berlin**, SWP Research Papers.
- OECD**. 2010. The State' legitimacy in Fragile Situations, OECD Publications.
- Patru, Mihai. 2010. **The Impact of International Economic Integration on Political Liberalization: The Arab Gulf Bakhshish States**, M.A Thesis in Political Sciences, Budapest, Central European University.
- Rotberg, Robert. 2009. "Failed States, Collapsed States, Weak States", www.brookings.edu.
- Sabban, Rima. 2002. "United Arab Emirates: Migrant women in the United Arab Emirates: The case of female domestic workers." [http:// www. ilo. org/](http://www.ilo.org/)

- employment/Whatwedo/Publications/WCMS_117955/lang--en/index.htm
- Schoon, Ingrid & Cheng, Helen. 2011. "Determinants of Political Trust", **Developmental psychology**, Vol.47, No.3.
- The Fund for Peace. 2014. "Fragile States Index Ranking", www.fragilestatesindex.org
- United Arab Emirates 2013." Human Rights Report, Country Reports on Human Rights Practices for 2013 United States, **Department of State Bureau of Democracy Human Right and Labor**, available at: [http:// www.state.gov/ documents/organization/220592.pdf](http://www.state.gov/documents/organization/220592.pdf).
- World Health Organization. 2012. **WHO country cooperation strategy**, Sri Lanka, World Health Organization.